

معادله چند مجهولی انتخاب رشته

این فرایند به میدان نبرد خواست خانواده و آرزوی دانش آموز بدل شده‌است و هدررفت سرمایه های اجتماعی را به دنبال دارد

گزارش روز



فرنگی مقصوده زبانی نیکا

«انتخاب رشته» و «هدایت تحصیلی»، قانون طلایی زندگی دانش آموزان است اما این اصل درمیان برخی خانواده ها، ناخواسته به میدان نبرد تبدیل می شود. هدایت تحصیلی که در تئوری باید بلی میان استعداد دانش آموز و نیاز بازار کار باشد، گاهی با اضطراب والدین برای ساختن آینده ای خیال انگیز گره می خورد. هنوز هم کم نیستند خانواده هایی که وقتی صحبت از انتخاب رشته می شود، جو آرام زندگی شان به ناگاه تغییر می کند، غافل از اینکه نابلدی در این زمینه، ذخیره علمی کشور را تهدید می کند. انتخاب رشته، پرونده ای همیشه مفتوح درمیان خانواده هایی است که فرزند نوجوان دارند؛ گاه کش و قوسش آن قدر زیاد می شود که تصمیم گرفتن را سخت می کند. به این ها اضافه کنید استفاده از فرم های هدایت تحصیلی در سال های اخیر را که به گفته متولیان حوزه آموزش، ابزاری برای سنجش علاقه مندی و توانایی دانش آموزان است. دانش آموزی که سال ها برای رسیدن به رشته دلخواهش تلاش کرده، حالا در برابر فرمی نشسته است که نتیجه اش نه فقط یک اولویت بندی ساده، بلکه تعیین کننده سرنوشت اوست؛

فرمی که به اعتقاد برخی خانواده ها، قدرت انتخاب را از دست دانش آموز می گیرد و ترفندی برای مدیریت صندلی های مدارس دولتی است؛ هر چند متولیان حوزه آموزش این اعتقاد را قبول ندارند.

ما نمی دانیم چه می خواهیم، پدر و مادرمان می دانند!

همین حالا و در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی، تعداد دانش آموزانی که در زمینه این موضوع از خانواده هایشان گلایه دارند، کم نیستند؛ آن هایی که می گویند پدر و مادرمان احساس می کنند ما نمی دانیم چه می خواهیم، اما آن ها می دانند. سارا یک دانش آموز سال نهمی است و تعریف می کند: صبح که از خواب بیدار می شوم، احساس می کنم یک وزنه سنگین روی سینه ام است. مادرم مهندسی خوانده است و می گوید علوم ریاضی بخوان و بعد رشته مهندسی کامپیوتر را برای ورود به دانشگاه انتخاب کن؛ چون آینده اش روشن است. پدرم هم فقط به دو گزینه فکر می کند و تمام: رشته های ریاضی و تجربی. اما من وقتی به ریاضی نگاه می کنم، فقط معادله های سخت و خشک را می بینم نه آینده روشن و شگفتی که آن ها تعریفش را می کنند. من خودم دنیای هنر را دوست دارم، می خواهم قلم دست بگیرم و طراحی کنم، ولی می ترسم انتخاب من، آن ها را راضی نکند. «انتخاب رشته، یک طرف معادله ای است که آن سوشی، والدین دل نگران قرار دارند. اضطراب خانواده هایی که با دشواری های اقتصادی درگیر هستند، آن ها را محق می کند که دلواپس باشند.» این گفته ها را با صدای لرزان مادری بخوانید که یک فرزند دارد و می گوید: ما فقط می خواهیم وقتی بزرگ شد، نگران پول و جایگاه اجتماعی نباشد. آیا این خواسته اشتباهی است؟ این دقیقا همان نقطه گسست است؛ والدین در عصر حاضر، آینده رادر رشته های سنتی و پردرآمد ودل فریب می بینند، درحالی که دانش آموزان، خود شکوفایی را در مسیرهای نوظهور، جست و جو می کنند و باید کسی باشد که آن ها را از این مهلکه نجات دهد.

می خواستند مهندس شوم، عکاس شدم

در این روایت رقتیم سراغ تجربه هایی که حاصل پوست انداختن و بزرگ شدن است. شاید بتواند کمکی برای تصمیم گیری منطقی شما باشد. گفته های عکاس موفق مطبوعاتی را از همین نظر نقل می کنیم که خودش فکر می کند به جایگاهی که دوست داشته، رسیده است، اما پدر و مادرش هنوز هم دلشان با این رشته، صاف نشده است. سپهر، پدر و مادری تحصیل کرده دارد. اما انگار انتخاب رشته های به اصطلاح نان و آب دار، قانون نانوشته ای است که بر همه خانواده ها حاکم است و بر خانواده آن ها هم. اومی گوید: پدرم همیشه می گفت تو باید مهندس معمار باشی؛ همین قدر قاطع و محکم، اما من آن قدر عاشق عکاسی بودم که حاضر بودم از درس و کتاب بزنم و مدرسه نروم، درعوض، دوربین دست بگیرم و عکاسی کنم. پدرم راست می گفت؛ کار هنری کردن هیچ وقت به پولدار شدن آدم ها ختم نمی شود، حتی همین حالا که هنر هم در دانشگاه درس می دهی، پدرم گاه حرفش را باطنه تکرار می کند. اما بی خیال تمام این اما و اگرها، عکس هایی که در لحظات شگفت انگیز در قاپ دوربینم جای می گیرد، به پیچاندن خانواده ام سر انتخاب رشته می آزد. من اسم عکس های خوب آرشیموم را گذاشته ام «دستمزد»؛ این مزد مسیر طولانی و عجیبی است که برای رسیدن به هدفم طی کرده ام؛ اصلا عکاسی کردن، عجیب ترین لحظه های زندگی ام است. سپهر، سرگذشت زندگی اش را از این بابت تعریف می کند تا گوشزد کند که انتخاب رشته های به اصطلاح دل فریب و وسوسه انگیز، نسنجیده و غیرعلمی، ضربه بزرگی به سرمایه های هنری و اجتماعی جامعه می زند. اومی گوید: من هنرمند خوبی هستم اما هیچ وقت مهندس خوبی برای این سرزمین نخواهم شد و بالعکس این هم زیاد است.

هدایت تحصیلی ناعادلانه

البته فرم های هدایت تحصیلی هم گاهی به چالش انتخاب رشته دلخواه، دامن می زند. پدر یک دانش آموز سال نهمی می گوید: دخترم من عاشق معلمی است و اعتقاد دارد در رشته علوم ریاضی، بهتر می تواند ادامه تحصیل دهد و به خواسته ای که دارد، برسد. تصمیمش را هم

گرفته بود. اما متولیان حوزه آموزشی مدرسه، تشخیص دادند در رشته علوم انسانی ادامه تحصیل دهد، بهتر است. من تصور می کنم که این تصمیم براساس نیاز آموزشی استان، گرفته شده است و عادلانه نیست.

نورم دانش آموزی در رشته های نظری

کسانی که سال ها تدریس کرده و تجربه اندوخته اند و با زیربوم نظام آموزشی آشنا هستند، بارها تذکر داده اند که شناسایی استعداد، توانایی، علاقه و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان، به انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی و مسیر آینده شغلی، کمک می کند و اگر قرار است درخت علم و فناوری به بار بنشیند و بال و پر بگیرد، باید این پروسه سنجیده پیش رود. مدیر یکی از هنرستان های فنی و حرفه ای بی آنکه نامی از خود ببرد، می گوید: مشکل هدایت تحصیلی، تنها یک مسئله تربیتی نیست، بلکه یک مسئله ساختاری و اقتصادی است و سه لایه اصلی باعث سردرگمی خانواده ها شده است؛ اول اینکه سیستم آموزشی بیشتر بر «آموزش برای آزمون» تمرکز دارد تا «شناخت خود»؛ دانش آموز بدون اینکه بداند نقاط قوت و ضعف شخصیتی اش چیست، با کوهی از کتاب های درسی روبه رو می شود. دوم اینکه والدین هنوز هم براساس تجربه های دهه های گذشته تصمیم می گیرند، درحالی که دنیای امروز قواعد متفاوتی دارد؛ علاوه بر این، مدرسه نقش میانجی را در کاهش تنش های خانوادگی، ایفا می کند و خانواده نیز اغلب به جای هم فکری، نقش «کنترلگر» را بازی می کند. او به عنوان کسی که نزدیک به سه دهه از عمر خود را در فضای آموزشی کشور گذرانده است، طبق تجربه و داده های آماری اعتراف می کند: سهم داوطلبان کنگور علوم تجربی نسبت به رشته های دیگر، به طور ناموزنی بیشتر است و جمعیت دانش آموزی در شاخه های نظری، متورم شده و از آن طرف، از رشته های کار و دانش وفنی و حرفه ای استقبال نشده است. استقبال از رشته های نظری بدون توجه به زیرساخت ها، موجب رکود علمی و حتی مهاجرت مغزها می شود و به همین دلیل، وی نیاز به مشاوره تخصصی در مدارس را لازم می داند.

یک برنامه و هزار چالش

البته نظام آموزشی ما نیز از این اصل غافل نبوده است. سال ۱۳۷۲-۱۳۷۱ که آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه بود، فعالیت رسمی اولین گروه از مشاوران در دبیرستان های زیرپوشش نظام جدید شروع شد و وظیفه راهنمایی تحصیلی و درکنار آن مشاوره به آنان واگذار شد و بعدتر با توجه به مشکلات موجود در برنامه انتخاب رشته تحصیلی و شغلی دانش آموزان و با هدف کمک به انتخاب آگاهانه، از سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ اجرای برنامه هدایت تحصیلی در نظام آموزشی جای گرفت. هر چند این فرایند نیز کامل نیست و برخی والدین از آزمون ها و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری رضایت ندارند و معتقدند که نظام آموزشی براساس نیاز جامعه و ظرفیت مدارس، دانش آموزان را تقسیم بندی می کند نه برپایه علاقه مندی هایشان و آن ها را به فرایند هدایت تحصیلی بی اعتماد می کند.

مسیری که رسیدن به موفقیت را اسان می کند

از بین متولیان و خدمتگزاران حوزه آموزش و پرورش، دکتر حسن عدالت جو، معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش خراسان رضوی، یکی از مسئولانی است که موفق به گفت وگو با وی می شویم. او گفت وگو را با توضیح کوتاهی درباره نظام آموزشی کشور شروع می کند که بر چهار دوره استوار است؛ ابتدایی اول، ابتدایی دوم، متوسطه اول و متوسطه دوم و بعد می گوید: دانش آموزی که دوره ابتدایی را پشت سر گذاشته است، وقت تشخیص استعداد، علاقه و توانمندی هایش است. این دانش آموز زمانی که وارد پایه های هفتم، هشتم و نهم می شود، دیگر در مرحله ای قرار گرفته است که باید استعدادها، علایق و توانایی های

اوبه صورت دقیق تر شناسایی شود.

او در ادامه یادآوری می کند: متوسطه اول، صرفا یک مقطع آموزشی نیست، بلکه مرحله ای تعیین کننده در شکل گیری آینده دانش آموزان است. در این دوره، سه مأموریت ویژه برای مدارس تعریف شده است که شامل کشف استعدادها و توانایی ها، هویت یابی دانش آموزان و هدایت تحصیلی است.

عدالت جو با این توضیح، صحبت را پیش می برد: «متوسطه اول، همان دوره ای است که پیش تر با نام «راهنمایی» شناخته می شد و در حال حاضر زمانی که دانش آموز به سال نهم می رسد، یعنی پایه آخر متوسطه اول، دو آزمون مشاوره ای سرنوشت ساز برای او برگزار می شود؛ آزمون رغبت و آزمون استعداد. پرسش های این آزمون، برگرفته از نسخه های بین المللی است که بومی سازی شده است و به خانواده کمک می کند تا تیپ های شخصیتی فرزند خود را بهتر بشناسد. اینکه فرضا بداند آن ها چه ویژگی هایی دارند؛ به عنوان مثال یک دانش آموز، درون گرایا بیرون گراست و اینکه در خلال حوزه ها، قدرت ریسک پذیری بیشتری دارد یا در شاخص هایی مثل کنجکاوی درصد بالایی نسبت به توانمندی های دیگرش دارد و به این نتیجه برسد که او برای رشته ای مثل ریاضی، مناسب نیست و در مقابل، شرایط ورود برای رشته های علوم تجربی و علوم انسانی را دارد. همه این هادر گرفتن یک تصمیم درست به خانواده کمک می کند.»

هدایت تحصیلی تنها بحث انتخاب رشته نیست. مسئله مهم این است که به دانش آموز کمک می کند چه مسیری را برای موفقیت بیشتر انتخاب کند. علاوه بر این، نظر و اطلاعات مشاور و دبیران در قالب یک مجموعه مشاوره ای، در اختیار خانواده قرار می گیرد. عدالت جو توضیح می دهد: سیاست گذاری هایی که برای مدیران مدارس انجام می شود، نیز باید در همین مسیر باشد؛ یعنی همه برنامه های آموزشی، پرورشی و حتی فعالیت های فوق برنامه، پیوست هدایت تحصیلی داشته باشند. هویت یابی دانش آموز، مأموریت دیگر آن هاست که باید براساس استعدادها و توانایی های شناسایی شده از دانش آموز به او هویت بدهیم و کمک کنیم خود را بهتر بشناسد. درواقع، مدرسه با کمک مشاوران تحصیلی به نوجوان کمک می کند تا در مسیر شناسایی علاقه مندی هایش، موفق تر باشد و بعد نوبت هدایت تحصیلی می رسد؛ یعنی براساس شناختی که از استعدادها، علایق و هویت دانش آموز به دست آمده است، او را برای آینده تحصیلی اش هدایت کنیم. او ادامه می دهد: به نظر من، هر اقدامی که در دوره متوسطه اول انجام می شود، باید در راستای رسیدن به همین اهداف باشد. دروسی مانند علوم، ریاضی، عربی و سایر دروس فقط برای آموزش محتوای کتاب درسی نیستند، بلکه باید با هدف گذاری در پیوند با هدایت تحصیلی ارائه شوند تا دانش آموز، بهتر شناخته و مسیر آینده اش روشن تر شود. عدالت جو، برگزاری جشنواره های علمی، فرهنگی در حوزه دانش آموزی را نیز کمک به کشف استعدادها می داند و معتقد است همه برنامه ها باید به خانواده و دانش آموز کمک کند تا انتخاب آگاهانه تری داشته باشند. به گفته او، شناخت تیپ های شخصیتی و ظرفیت های فردی، به مشاور کمک می کند تا نظر دقیق تر و کاربردی تری به خانواده بدهد و مسیر هدایت تحصیلی دانش آموز برپایه شناخت واقعی، نه حدس و گمان، تعیین شود. عدالت جو با اشاره به اینکه چنین نگاهی، هدایت تحصیلی را از یک فرایند صرفا آموزشی به یک تصمیم اجتماعی و اقتصادی تبدیل می کند، می گوید: تمام تلاش ما این است که بچه ها به این سمت حرکت کنند.

تشکیل کمیته هدایت تحصیلی

محمد رمضان پور، رئیس اداره امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی آموزش و پرورش، نیز در این باره می گوید: ما تلاش می کنیم با دقت بسیار، هر دانش آموز را به سمت بهترین

گزینه ای که با شخصیت، علاقه و توانمندی هایش هم خوانی دارد، راهنمایی کنیم. در این فرایند، عملکرد تحصیلی دانش آموز در دروس مختلف پایه های هفتم، هشتم و نهم، ملاک سنجش قرار می گیرد و تأثیرگذار است. او می گوید: البته برای کمک بیشتر در هر اداره آموزش و پرورش، کمیته هدایت تحصیلی تشکیل شده است؛ دانش آموزانی که در فرایند هدایت تحصیلی با چالش مواجهند، می توانند به صورت رایگان مشاوره دریافت کنند. علاوه بر این، در دوره متوسطه اول، مشاوران در مدارس حضور دارند و خط ۱۵۷۰ ویژه هدایت تحصیلی، فعال است تا پاسخگوی پرسش های دانش آموزان باشد.

تصمیم احساسی، مخرب است

انتخاب رشته، دوراهی سرنوشت سازی است که گاهی مسیر زندگی را به کلی تغییر می دهد. اما باسخ این چالش را که چرا این مرحله در بسیاری از خانه ها با اضطراب و در نهایت بشیمانی همراه است، دکتر مصطفی مروارید، روان شناس و مشاور متخصص حوزه تحصیلی، می دهد. او «هدایت تحصیلی» را فرایندی می داند که هرگز نباید با عجله یا تحت فشار هیجانات بگذرد و چند عامل کلیدی را در انتخاب رشته، مؤثر می داند که باید به دقت وزن کشی شوند و مهم ترین آن ها استعداد است. مروارید گوشزد می کند: استعداد، شوخی بردار نیست. دانش آموزی که می خواهد در رشته علوم ریاضی درس بخواند، باید در فهم مفاهیم ریاضی و مهندسی در سال های هفتم تا نهم، توانمندی خود را نشان داده باشد. در رشته علوم تجربی نیز علاقه به علوم زیستی و شیمی و... شرط لازم است. علاوه بر این، تیپ شخصیتی هم باید مشخص شود. این بخش، تخصصی است. مانس های شخصیت شناسی شغلی داریم که نشان می دهد آیا ساختار روانی فرد با رشته ای که انتخاب کرده، سازگار است یا خیر؛ به عنوان مثال، تیپ شخصیتی من به هیچ عنوان با رشته وکالت سازگار نیست؛ دانستن این قوت ها و ضعف ها، نیمی از راه است. او تأکید می کند: استعداد و تیپ شخصیتی، ثبات نسبی و ریشه در ژنتیک و دوران رشد فرد دارند. این ها «ثابت» های معادله هستند؛ برخلاف علاقه که می تواند سیال و متغیر باشد و در طول زمان و با تغییر شرایط، تغییر کند.

راهکاری برای خروج از بحران

مروارید معتقد است اگر خانواده ها بتوانند این سه عامل را درکنار هم ببینند، می توانند به انتخابی «متناسب تر» برسند. بزرگ ترین آسیب، زمانی رخ می دهد که انتخاب ها برپایه رقابت، چشم و هم چشمی و فشارهای اجتماعی باشد. من روزانه مراجعان زیادی دارم که به دلیل تصمیم های غلط در پایه نهم، اکنون درگیر پروسه تغییر رشته هستند. آموزش و پرورش، تست های استعداد یابی و شخصیتی را برگزار می کند، اما چالش اینجاست که دانش آموزان چقدر این تست ها را جدی می گیرند. این پرسش گزارشگر ماست که او در پاسخ می گوید: وقتی دانش آموز پاسخ های سطحی به تست می دهد، طبیعتا خروجی علمی نخواهیم داشت. مروارید به والدین توصیه می کند: برای شناسایی ابعاد شخصیتی فرزندتان، زمان بگذارید. منتظر نمانید که دقیقه ۹۰ برسد. اگر ارتباط درستی با دانش آموز برقرار کنید، مسیر روشن خواهد شد. بخشی از صحبت های او، تذکری درباره فضای مجازی است که تبلیغ روان شناسی زرد است. او در توضیح بیشتر می گوید: این فضا همواره برای رؤیافروشی تلاش می کند؛ وعده هایی که واقعیت های فردی را نادیده می گیرند. اما روان شناسی علمی، فرد را در معرض تصمیم گیری منطقی قرار می دهد، نه هیجانی. بیشتر دانش آموزان ما درگیر تصمیم گیری های احساسی هستند.